



گفتار

احمد میدری

## امید به شبکه روابط اجتماعی و نه قدرت

در ایران، همه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و روانشناسان، اجماع نظر دارند که سطوح مختلف جامعه در یاس و ناامیدی به سر می‌برند و لازم است برای مقابله با چرایی ایجاد یاس و راه‌های برون‌رفت از آن، اقداماتی انجام شود. برای ورود به این مسئله، ابتدا باید دید ویژگی‌های یاس چیست؟ و از چه چیزهایی تشکیل شده است؟ یاس و ناامیدی در ایران، سه سطح مردم، روشنفکران و سیاست‌گذاران را در برمی‌گیرد که هر کدام، علل و نتایجی دارند و طبعاً برای غلبه بر آن، باید به سیاست‌هایی خاص مجهز شد. در وهله اول، یاس در جامعه، نتیجه ناامیدی در میان مسئولان و سیاست‌گذاران است. در میان اینها نیز سطح روشنفکران و متفکران، تأثیرگذاری بیشتری بر یاس و ناامیدی سیاست‌گذاران دارند و اگر برنامه‌ای برای برون‌رفت از این وضعیت داشته باشیم، در درجه اول نیاز داریم که نظریه‌هایی امیدبخش ارائه شوند تا در نتیجه آن، سیاست‌گذاران را به‌کارهای متفاوتی برساند. در میان روشنفکران، جز علی میرسپاسی، کسی در باره یاس و ناامیدی روشنفکران، قلم‌فرسایی نکرده است. ایشان در نوشته‌های خود این فرضیه را مطرح کرده که در چنددهه گذشته، روشنفکران ایرانی -اعم از مذهبی و لائیک- جامعه را به سمت یاس سوق داده‌اند. به این معنا که روشنفکران، جامعه را به سمت تغییرات بنیادین در اندیشه برده‌اند، که این تغییرات، یا امکان‌پذیر نیست یا اگر هم باشد، در نظم اجتماعی اختلال ایجاد می‌کند. چرا که محقق نشدن آرمانگرایی‌ها خود منشا یاس و ناامیدی است. از نظر میرسپاسی، متفکران ما به جای اینکه به زندگی روزمره مردم توجه کنند، سطوح تحلیل را بالا برده‌اند و بر سر سطوح کلان، اجماع کرده‌اند. او به روشنفکران پیشنهاد می‌کند به سمت اندیشه‌های عمل‌گرایانه بروند و خود و جامعه را امیدوار کنند. در اقتصاد نیز اندیشه‌هایی را پذیرفته‌ایم که به بی‌عملی و یاس منجر شده‌اند. مثلاً نظریه و اندیشه دولت رانتیر، بیشترین اثرگذاری را بر یاس و ناامیدی روشنفکران و سیاست‌گذاران کشور گذاشته است. در این نظریه، رابطه دولت و ملت، به یک رابطه مالی تقلیل داده شده و در نسخ‌پیچی و فرمول‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر این نظریه نیز گفته می‌شود باید مابیت دولت را عوض کرد. روشن است که این نظریه، تا چه اندازه یاس‌آور است و حتی با تجربه‌های کشورهای دیگر و دیدگاه‌های واقع‌بینانه علمی نیز همخوانی ندارد. فرانسیس فوکویاما در کتابی که اخیراً به فارسی هم ترجمه هم شده، تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ای از نظام‌های سیاسی و نسبت آنها با دموکراسی و توسعه، طرح کرده است. وی در کتاب خود می‌نویسد سرنوشت هیچ کشوری، به‌خاطر ساختارهایش از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه همه چیز بستگی به این دارد که بازیگران سیاسی چه می‌کنند و شبکه‌های قدرت در هر کشور، چقدر و چطور خود را سازماندهی می‌کنند. به گمان من نیز با نگاه شبکه‌ای به قدرت و اراده بازیگران، می‌توان بازی‌های سیاسی و اقتصادی را درک کرد و از دل آنها، به آرمان‌ها دست یافت. در حقیقت، روابط اجتماعی کوچک هستند که تغییرات جزئی ایجاد و اندک‌اندک، ساختارهای کلان را متاثر می‌کنند. واقعیت این است که شبکه روابط اجتماعی، تاریخ‌های کمتر دیده‌شده جوامع هستند و باید به این شبکه‌ها که قدرت اجتماعی ایجاد می‌کنند، میدان داد. ما نیاز داریم که یک‌بار دیگر، صورت‌مسئله را درست تعریف کنیم. درست است که یاس در جامعه وجود دارد و توصیه‌هایی هم برای امیدواری جامعه داده می‌شود اما مخاطب اینها سیاست‌گذاران هستند و نه مردم یا روشنفکران. بنابراین باید در پی این بود که چطور مردم و بیشتر از آن، روشنفکران را مخاطب قرار داد. بنابراین اگر صورت‌مسئله این باشد که روشنفکر چطور می‌تواند جامعه را خطاب قرار دهد و ما جدای از دولت به اقداماتی دست بزنیم، در آن صورت حوزه‌های عمل و اقدام اجتماعی پیش روی ما خواهد بود که منشا‌های یاس و ناامیدی را در سطح فرد، مسئولان و روشنفکران، از میان برمی‌دارد.

معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

## جدایی حساب درمان، سه‌جانبه‌گرایی را مخدوش می‌کند

رئیس مجمع صنفی نمایندگان کارگری استان تهران و عضو کارگری شورای عالی کار، با بیان این‌که دولت‌ها یا نمایندگان مجلس، نمی‌توانند در حوزه و منابع حق الناس، دخل و تصرف یا نقشی ایفا کنند، گفت: «بند (ز) تبصره ۷ لایحه بودجه، سه‌جانبه‌گرایی در تأمین اجتماعی را مخدوش و نقض می‌کند.» محمدرضا تاجیک، در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا» یادآوری نگرانی جامعه کارگری از تبعات واریز منابع سهم درمان کارگران به خزانه دولت، اظهار کرد: «به استناد اصل ۲۷ قانون اساسی، دست‌اندازی به اموال کارگران، غیرقانونی است و از شورای نگهبان درخواست داریم که با این مصوبه، مخالفت کند.»



یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل و چهار

A T I V E H N O

## مخبر

همایش علمی امید اجتماعی



در نخستین همایش امید اجتماعی، کارشناسان و تحلیلگران بر این باور بودند که جامعه ایرانی حل تجربه کردن نوع جدید از امیدواری است.

# ایرانیان، تشنه

## آسیب‌شناسی و تحلیل نگرش ایرانیان به آینده

بودند. حتی می‌شود عقب‌تر هم رفت. برخی ناامیدی‌های عمومی به مردم هم مشاهده کرد. اما برای مردم، چه باید کرد؟ چطور می‌شود جامعه را در بافت و ساختاری داشت؟ جامعه‌شناسان و روانشناسان دوای درد جامعه ایران را امیدوار می‌دارند و زنده نگه می‌دارند و مختلف با سطوح درآمدی مردم کشور ممکن می‌کند. همان مثل کارشناسان، در تاریخ و ساختار ریشه دارد و با نموده‌ها و صورت‌بندی‌ها کار می‌آید و مناسبات را در آن آرمان‌ها و ایده‌ال‌ها دوبار

به جرات می‌توان گفت دوران کنونی، در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، دورانی از هر حیث قابل مطالعه است. مسائل و بحران‌ها، تکنها و چالش‌های اجتماعی، یکی پس از دیگری از ناحیه اقتصاد کلان و چه بسا عالم سیاست سر برآورده‌اند و فشارهای مضاعفی بر ا فشار و گروه‌های اجتماعی وارد کرده‌اند. شاخص‌های زیست اجتماعی در شرایط مطلوبی نیستند و حتی فراتر از آن، برخی کارشناسان هشدارهای جدی در مورد خطر گسیختگی‌های اجتماعی می‌دهند؛ آنها معتقدند که زندگی اکثریت شهروندان، با غم و رنج‌هایی پیوند خورده که باید برای آن‌ها چاره‌ای اندیشیده شود. تجلی برخی از این ناامیدی‌ها را شاید بتوان در حرکت‌های اعتراضی دی‌ماه امسال دید که دو برآیند متفاوت اما مرتبط دارد. اول اینکه عده‌ای از محروم‌ترین اقشار کشور که از شرایط خود ناراضی بودند، به خیابان‌ها آمدند و دوم در اندیشه و کنش اجتماعی‌شان، امیدوار به اصلاح و تغییر

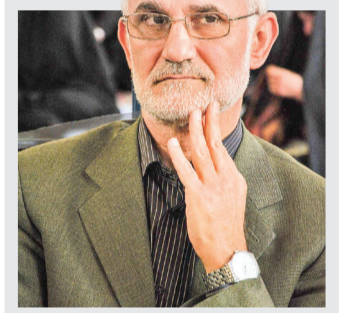
اجتماعی و بی‌اعتدالی است. «وی وضعیت کشور و تحقیقات سیاست‌علمی کشور، یادآوری اینکه امید اجتماعی، دارای ویژگی دوگانه فردی و جمعی است، اظهار کرد: «بیشتر بحث‌های امروز درباره امید اجتماعی، به‌نگرش فردی در زندگی روزمره توجه می‌کند. به این معنا که وقتی آدم‌ها بی‌عدالتی و تبعیض را در جامعه می‌بینند، ناامید می‌شوند و امید اجتماعی باید قادر باشد میان وضعیت فردی و هستی‌شناختی، تفکیک قائل شود.» وی امید اجتماعی را یکی از ویژگی‌های جامعه خواند و گفت: «جامعه، فی‌نفسه ظرفیتی برای از نو آغاز کردن دارد و بحث ما نیز این است که آیا وجدان جمعی، به جامعه کمک می‌کند که خودش را بازسازی کند یا خیر؟» از نظر قانعی‌راد، هر جامعه‌ای ممکن است با آسیب روبه‌رو شود اما امیدوار باشد و بتواند امید اجتماعی تولید کند. وی با طرح این سوال که آیا جامعه ایران، توانایی بازسازی خود را دارد یا نه، اظهار کرد: «لازمه این کار این است که جامعه از نقاط عطف بحرانی و مخاطره‌ساز که به طور مکرر در تاریخ طولانی کشور مان ایجاد شده‌اند، عبور کند.» به گفته قانعی‌راد، صرف‌نظر از طرز تفکر افراد و برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته، به دلیل قدرت ترمیم و خودسازی جامعه بوده که جامعه ایرانی از بزنگاه‌های مختلف گذشته است. وی مشکل امروز جامعه ایران را بحران در کلیت جامعه دانست که نهادهای اجتماعی آن، قادر به تولید امید اجتماعی نیستند. قانعی‌راد، کارکرد اساسی امید اجتماعی را تولید و بازتولید جامعه دانست و گفت: «این تولید و بازتولید، در ایران معاصر دچار مشکل شده و برای



### امید، جامعه را تولید و بازتولید می‌کند

محمدامین قانعی‌راد، نیز در سخنرانی خود، با تبیین ویژگی‌های امید اجتماعی، گفت: «اگر جامعه‌ای موفق شود امید را تولید کند، افراد آن جامعه نیز امیدوار خواهند شد.» عضو هیئت‌علمی دانش مرکز

خشونودی و کاهش آلام در طول دوده گذشته، گفت: «جامعه در عرصه سیاسی نمی‌میرد، بلکه هویت و نیروی خود را بازسازی می‌کند.» به گفته کاشی، پرچم‌های افزایش خشونودی و کاهش آلام در ایران شکست خورده‌اند، اما این به معنای ناامیدی جامعه در مواردی نیست، بلکه نشان از نیرو و سرمایه‌های سیاسی می‌دهد. وی افزود: «جامعه، زخمی و خشمگین است؛ در مواردی احساس تحقیرشدگی و بی‌معنایی می‌کند اما همه اینها سرمایه‌های سیاسی در منظومه‌های گفتمانی جدید هستند. جامعه زنده است، حتی اگر پر از خشم و کینه باشد. آدم زنده هم می‌خواهد زندگی کند. می‌توانیم بگوییم چنین جامعه‌ای، معطوف به آغازی جدید و طرح الگوهای کنشگری جدیدی است. این با متولیان سیاسی این است که چقدر این صدا را بشنوند.»



### افزایش انسجام، کلید مبارزه با آسیب‌ها

محمدجواد غلامرضا کاشی، با بیان اینکه مفهوم امید اجتماعی، چندان معنای مشخصی ندارد، گفت: «وقتی درباره امید یا ناامیدی جامعه صحبت می‌کنیم، از حیطه جامعه‌شناسی بیرون می‌رویم و وارد قلمرو سیاسی جامعه می‌شویم. امید امر روان‌شناسی و فردی است و با واسطه‌هایی، به امر سیاسی منتقل می‌شود.» وی با بیان اینکه امید، در سطح روان‌شناسی، مفهومی فیزیولوژیک و فردی است و نه یک معنای جامعه‌شناختی، اظهار کرد: «با کنش‌های جمعی و نظم‌ها و سرمایه‌های گفتمانی، کلامی و زبانی که دو مابجه اساسی هستند، امید -به مثابه امری فردی و روان‌شناسی- به امر سیاسی تبدیل می‌شود. جامعه ایران در چهارده گذشته، مسیری متفاوت را طی کرده تا به امروز رسیده است. ما با انقلاب می‌خواستیم بنای تازه‌ای بسازیم؛ بنابراین در سال‌ها و دهه اول انقلاب، جامعه‌ای بودیم پر از نیروهای بالفعل سیاسی که به‌واسطه آرمان‌های معطوف به آرزو که جامعه‌ای بهتر می‌خواست، جامعه در فوران گروه‌های آرزومند بود. یکی از حکومت اسلامی می‌گفت، یکی از جمهوری دموکراتیک خلق و گروه‌های دیگر و حاشیه‌ای نیز تصور می‌کردند در پرتو پرچم‌های پر آرژو، آلام و دردهای آنها التیام پیدا خواهد کرد. دو دهه اول جمهوری اسلامی، قوران هویت‌های امیدوار سیاسی بود که هر یک الگویی از آرزومندی را بسط می‌دادند. جامعه در این دهه، دچار شقاق شد. یک گروه، جامعه را به‌سمت آرمان‌های دینی بردند و گروه‌های دیگر، جامعه مدرن و سبک‌های تازه زندگی را تبلیغ می‌کردند. این اسناد علوم سیاسی، با بیان اینکه طیف‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، در جریانات سیاسی ایران نماینده این دو نوع آرمان هستند، گفت: «اینها پرچم‌هایی برافراشته بودند تا امیدهای معطوف به آرزو را بازسازی کنند اما به‌تدریج، پرچم‌های دیگری نیز برافراشته شدند که کمتر آرزومندانه و آرمانگرایانه بودند اما به این معنا هم نیست که جامعه افسرده شده باشد، بلکه به نظر می‌رسد صورت‌بندی امید، دگرگون شده است.» وی با اشاره به بی‌اعتبار شدن پرچم‌های افزایش

«پژوهش‌ها نشان می‌دهند که از دوره قاجار تا به امروز، مسئله رفاه و سلامت و تلاش برای افزایش امید به زندگی، جزء مهم‌ترین خواست‌های جمعی ایرانیان بوده است. در ۴۰ سال پیش، از دست‌دادن ۸ فرزند، امری عادی بود اما ساخت احساسی امروزین، از دست‌دادن یک کودک را ضایعه‌ای عظیم به حساب می‌آورد.» فاضلی، ساخت احساسی و شیوه تفکر و نگرش امروز مردم ایران را در حوزه‌های رفاه و بهداشت، نشانه‌ای از امید اجتماعی خواند و گفت: «جامعه‌ای که امید به زندگی اش ۷۰ سال است، فرصت دارد که امیدوارتر زیست کند و به صلح و زیبایی و هنرها بیندیشد.»



### جامعه ایرانی، هنوز امیدوار است

نعمت‌الله فاضلی، در این نشست، با تفکیک قائل شدن میان امید اجتماعی و امیدهای فردی و روانشناختی و فلسفی، گفت: «زمانی که از امید اجتماعی صحبت می‌شود، از کلیتی به نام جامعه صحبت می‌کنیم. باید ببینیم آیا جامعه، دارای استعداد و ظرفیت بهتر شدن هست یا خیر.» وی امید اجتماعی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ساختاری دانست که جامعه برای پویایی و حرکت نیاز دارد. فاضلی، با تبیین مفهوم «ظرفیت آرزومندی»، گفت: «جامعه ایران دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های وجودی جامعه‌ای امیدوار است. درست است که در میان شهروندان، افسردگی، عصبیت، خشونت و اشکال گوناگون یاس وجود دارد اما اینها به معنای ناامیدی جامعه نیستند.» به گفته فاضلی، ظرفیت آرزومندی به این معناست که جامعه، گروه، ملت، مجموعه‌ای از تجربیات، تحولات، قابلیت‌ها و امکان‌هایی پیدا می‌کنند که حاصل آنها، حرکت‌دادن جامعه به سمت آینده است. وی جامعه ایران را جامعه‌ای آرزومند و امیدوار توصیف کرد و گفت: «جامعه ایرانی، پس از انقلاب مشروطه، از گذشته‌گرایی فاصله گرفته و به سمت جامعه‌ای اکنون‌نگر و آینده‌نگر حرکت می‌کند. بنابراین چنین جامعه‌ای، به گذشته به چشم مرجع نگاه می‌کند و از همین رو باید گفت جامعه ایرانی، امیدوار است.» فاضلی، دلیل شکل‌گیری انقلاب مشروطه را امکان‌پذیر شدن ظرفیت آرزومندی برای ارزش‌ها و قابلیت‌های جدید دانست و گفت: «امید اجتماعی، شرایط و امکان شکل‌گیری ظرفیت آرزومندی برای جامعه است. این ظرفیت، از زمان مشروطه تا کنون، در حال گسترش بوده است.» فاضلی، با تأکید بر اینکه ناامیدی‌های مدرن، نوعی امید اجتماعی است، افزود: «این ناامیدی‌ها، از ظرفیت‌های آرزومندی برخاسته است. جامعه‌ای که انقلاب می‌کند، دانشگاه، دانشجو و ارتباطات جهانی دارد. حتی اگر دچار سرخوردی و افسردگی و تنش و بیماری باشد، جامعه‌ای امیدوار است. «به اعتقاد فاضلی، جامعه‌ای امیدوار است که دچار مسئله امید شده باشد. وی افزود: «حال جامعه ما خوب نیست و نارضایتی وجود دارد اما هنوز امیدوار است. نارضایتی، بخشی از تبعات افزایش ظرفیت آرزومندی است.» عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با بیان اینکه جامعه ایران دارای ۷ گونه امید اجتماعی است، به مفهوم امید اجتماعی دموکراتیک اشاره کرده و گفت: «ساخت احساسات دموکراتیک، یعنی ساخت امیدواری اجتماعی مدنی. جامعه‌ای که از حق کودک حرف می‌زند و به مدنیتی رسیده که از قبیح بودن خشونت، آگاه است و به‌زنان، اجازه رفتن به دانشگاه می‌دهد و... یعنی به امید مدنی رسیده و امیدوار است.» وی یکی از ارزش‌های فرامادی رشد را بحث کردن دانست و گفت: «مهم‌ترین ویژگی مردم جامعه ما برخورداری از روحیه مذاکره کردن، گپ‌زدن و داشتن میل به بحث کردن است که همگی، نشان از امید اجتماعی دارد.» فاضلی، امید رفاهی و افزایش امید به زندگی را دو گونه دیگر امید اجتماعی دانست و گفت: «از دوره مشروطه، با بحران‌های شدیدی که در جامعه رخ داد، میل ملی برای سیاست اجتماعی مبتنی بر رفاه، در جامعه شکل گرفت.» وی اضافه کرد:

### نعمت‌الله فاضلی:

### حال جامعه ما خوب نیست و نارضایتی وجود دارد اما این جامعه هنوز امیدوار است. در واقع نارضایتی، بخشی از تبعات افزایش ظرفیت آرزومندی جامعه است